

مسئولیت کیفری تخریب کنندگان محیط زیست در سایه امنیت زیست محیطی

امیرمهدی صالحی مقدم^۱ و علی بهرامی نژاد^۲ و یوسف درویشی هویدا^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

چکیده: تخریب محیط زیست یکی از چالش‌های زیست محیطی است که بر امنیت ملی و زیستی کشور تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. از این روی مسئولیت کیفری و مجازات، پاسخ و واکنشی است که جامعه در برابر جرایم زیست محیطی از خود نشان می‌دهد و در این صورت در سایه امنیت ملی می‌کوشد که از خود در مقابل جرایم و مجرمین حمایت کند. پرسش اساسی مقاله آن است که چه نوع حقوقی برای حمایت از محیط زیست مناسب است؟ مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای به این موضوع پرداخته است. یافته‌ها نشان داد، پیشگیری از آلودگی و جرم زیست محیطی یکی از راه‌های مهم و اهداف این مقاله در پاسخ به جرایم زیستی است. حمایت از محیط زیست در سایه امنیت ملی، به معنای ارائه واکنش کیفری در برابر جرایم زیست محیطی و بهره‌مندی از همه ابزارها و شیوه‌های غیرکیفری در همه حالات است که نتیجه‌اش امنیت زیست محیطی است.

واژگان اصلی: امنیت، محیط زیست، مسئولیت کیفری، جرم، تخریب.

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ali.b.nejad@gmail.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

همه شاخه‌های حقوقی از جمله حقوق جزا به عنوان فرایندی برای نیل به کنترل اجتماعی ابداع شده‌اند. هدف آن‌ها کنترل و تنظیم رفتار و فعالیت‌های افراد در جامعه است. اما حقوق جزا با دیگر رشته‌های حقوقی تفاوت دارد. این تفاوت بدین‌سان است که حقوق جزا علیه کسانی که (دستورات) آن را نقض می‌نماید از مجازات‌های خفت‌بار استفاده می‌کند. با توجه به این که مجازات‌های کیفر خوارکننده و کیفر ترساننده فقط در حقوق جزا به کار رفته و در رشته‌های حقوقی از مجازات‌ها و مکانیزم‌های دیگر استفاده می‌شود، ایجاب می‌نماید که استفاده از حقوق جزا محدود به مواردی شود که اهمیت زیادی برای جامعه دارد و یا این که استفاده از دیگر حوزه‌های حقوقی و اداری در آن، مفید و مؤثر نباشد. بنابراین در جهت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست اگر بتوان برای کنترل رفتار افراد جامعه از حقوق اداری و یا دیگر رشته‌های ملایم حقوقی استفاده کرده و آن‌ها را تنظیم نمود، در این صورت نه تنها استفاده از حقوق جزا درست نیست، بلکه چه‌بسا در موارد زیادی مضر و خطرناک نیز هست. در واقع حقوق جزا به عنوان آخرین حد به خشن‌ترین ابزار کنترلی می‌تواند به کار گرفته شود.

دولت‌ها هر وقت با یک پدیده خطرناک مواجه می‌شوند، نگران می‌گردند و معمولاً برای مقابله با آن به وضع قوانین کیفری متوسل می‌شوند. آن‌ها تصور می‌کنند که با وضع قوانین جدید کیفری، مشکل حل خواهد شد. وضع قوانین کیفری در طی دو یا سه دهه گذشته برای حفاظت محیط‌زیست نمونه بارزی از این طرز تفکر به شمار می‌رود. ولی از آن موقع تاکنون این فرصت بود که بتوان بهترین طریق برای حفاظت محیط‌زیست را تشخیص داد. برخی معتقدند هرچند قوانین کیفری در حفاظت محیط‌زیست نقشی را ایفا می‌کند ولی از آنجایی که در این زمینه مشکل اساسی عبارت است از تنظیم قانونی فعالیت‌های مؤسسات تولیدی نسبتاً بزرگ، لذا مؤثرترین وسیله برای نیل به آن تعیین معیارهای دقیق مربوط به پخش مواد آلوده‌کننده و نیز معیارها و به کار بردن آن‌ها با مقررات اداری می‌باشد. قوانین کیفری نقش محدودی را در این زمینه ایفا می‌کنند و همین نقش محدود را هم توأم با اجرای مقررات اداری ایفا می‌نمایند (ریوچی، ۱۳۵۸: ۶۵).

به هر حال این پرسش اساسی هست که چه نوع حقوقی برای حمایت از محیط‌زیست مناسب است؟ برخی معتقدند حقوق جزا، زیرا این حقوق بیشترین وسیله حمایت مؤثر از ارزش‌های اساسی، اجتماعی است و اثر تردیلی دارد. جامعه برای ایجاد محیط سالم و زندگی

پاکیزه، ارزش‌های زیادی قائل است و برای نشان دادن همین اهمیت حقوق جزا علیه کسانی که بر ضد محیط‌زیست فعالیت می‌کنند، استفاده می‌کند. در مقابل برخی دیگر از حقوق‌دانان نظر مثبتی نسبت به این که تنها وسیله حمایت از محیط‌زیست، حقوق جزا باشد، ندارند و معتقدند که حقوق جزا در موارد ذیل مطرح است: اعمال ارادی و با سبق تصمیم، رفتار عمدی و از روی بی‌احتیاطی، رفتار خصوصی و خسارت واقعی و عملی به قربانی. در حالی که در خسارت وارد کردن به محیط‌زیست اعمال جمعی و بی‌احتیاطی و مسامحه گاه مطرح است. افزون‌بر این در خسارت زدن به محیط‌زیست، صدمه به کل جامعه می‌خورد. به این دلایل اینان معتقد هستند که بهتر است از حقوق اداری در جهت حمایت از محیط‌زیست استفاده شود. با این حال در حالتی که حملات و تهاجمات عمدی به محیط‌زیست هست، شایسته است که از حقوق جزا استفاده شود (قوام، ۱۳۷۵: ۹۸). به هر روی مقاله تلاش دارد تا مسئولیت کیفری تخریب‌کنندگان محیط‌زیست در سایه امنیت زیست‌محیطی مطالعه کرده و نوع حقوق انتخابی برای حفظ محیط‌زیست را پیشنهاد دهد.

ماهیت پاسخ به جرایم زیست‌محیطی

بی‌گمان تنها دانستن این موضوع که جهان کنونی درگیر یک بحران خطرناک زیست‌محیطی است، نمی‌تواند گره‌گشا باشد. باید برای کنترل و کاهش این زیان‌های وارده به محیط‌زیست تلاش گسترده و جدی کرد. از یک سو پاسخ‌های پیشگیرانه را اجرا و از وقوع جرایم جدید جلوگیری کرد و از سوی دیگر، به ارائه پاسخ‌های مناسب و مؤثر حمایتی به‌ویژه در بعد کیفری پرداخت.

۱) ارائه پاسخ کیفری

بدون شک، برای آن که بتوانیم از محیط‌زیست به خوبی حمایت کنیم نباید تنها به ابزارهای کیفری پناه ببریم و با برخورداری از آن‌ها به سودمندی ضمانت‌اجراهای دیگر (مدنی و اداری) توجه نکنیم و خود را از آن‌ها بی‌نیاز بدانیم. در بسیاری از موارد، کاربرد و تأثیر ضمانت‌اجراهای کیفری، بیش از مدنی و اداری است (شامبیاتی، ۱۳۷۱: ۶۷). در مواردی نیز دوام برخی از ارکان جامعه مانند نظم، امنیت و آسایش بستگی زیادی به وجود و اعمال آن‌ها دارد (صانعی، ۱۳۷۱: ۹۸). درباره محیط‌زیست نیز باید حمایت جدی شود، زیرا به خطر افتادن آن، به معنای تهدید شدن حتمی جانداران و طبیعت بوده و باید از این مجازات‌ها استفاده کرد. همچنین، ویژگی‌های کیفر (ترهیبی بودن، ترذیلی بودن، ارعابی بودن) موجب خواهد شد که بسیاری از اشخاص به آسانی

خود را برای ارتکاب جرم علیه محیط‌زیست آماده نکنند و یا محیط‌زیست در نزد آن‌ها آن قدر کم اهمیت جلوه نکند که با بی‌توجهی و سهل‌انگاری خود موجبات آلوده شده آن را فراهم کنند. برای نمونه کسی که با ریختن مواد سمی به آب‌ها آن‌ها را آلوده می‌کند و موجبات مرگ و یا بیماری جانداران (منابع آبی) را فراهم می‌نماید، باید مجازات شود (قاسمی، ۱۳۸۴: ۶۷). بنابراین، برای حمایت فراگیر از محیط‌زیست باید ابزارهای کیفری (مناسب و مؤثر) را به خدمت گرفت. به عبارت دیگر برای آن که بتوانیم از محیط‌زیست در برابر جرایم به خوبی حمایت کنیم و موفق به کنترل و کاهش اقدامات آلاینده زیست‌محیطی شویم، باید حمایت جزایی کنیم.

۲) پاسخ‌های کیفری

مجازات واکنشی است که اجتماع در مقابل جرم واقع شده و مجرم از خود نشان می‌دهد (شامبیاتی، ۱۳۷۱: ۷۶). از این رو این مرحله از پاسخ دربرگیرنده واکنش جامعه است. پس مجازات زیست‌محیطی پاسخی است که جامعه در برابر جرایم زیست‌محیطی از خود نشان می‌دهد و می‌کوشد تا این‌گونه از محیط‌زیست خود در مقابل جرایم و مجرمین حمایت کند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۷). محیط‌زیست یکی از مهم‌ترین مسائل کنونی جهان است. حمایت از آن نیز باید در یک گستره فراگیر باشد. این امر سبب می‌شود که اولاً: از «سیاست جنایی» به جای «سیاست کیفری» استفاده شود و ثانیاً: از «پاسخ» که دارای مفهومی گسترده‌تر از «واکنش» است، بهره جست. زیرا بنابر تعریف نوینی که پروفسور «دل‌ماس مارتی» از سیاست جنایی ارائه کرده است، سیاست جنایی شامل کلیه شیوه‌ها اعم از کیفری (سرکوبگری کیفری) و غیرکیفری می‌شود که هیئت جامعه با توسل به آن‌ها، به پدیده مجرمانه پاسخ می‌دهد. «همچنین، وی معتقد است که استفاده از واژه پاسخ به جای واکنش به معنای آن است که سیاست جنایی هم پیش از وقوع جرم (برای پیشگیری) و هم پس از آن (برای سرکوبی) وارد عمل می‌شود و این پاسخ علیه جرم نیست، بلکه علیه پدیده مجرمانه است که شامل دو پدیده جرم (پدیده کیفری) و انحراف (پدیده جامعه‌شناختی است) (قاسمی، ۱۳۸۴: ۷۸).

بنابراین اگر از سیاست جنایی در راستای حمایت از محیط‌زیست استفاده شود، اولاً همه اشکال گوناگون آلودگی محیط‌زیست اعم از آن که در زمره جرایم زیست‌محیطی وارد شده باشد و یا خیر مورد توجه قرار خواهد گرفت و ثانیاً دربرگیرنده تدابیر پیشگیری نیز خواهد بود. به عبارت

دیگر، حمایت از محیط‌زیست به معنای ارائه واکنش کیفری در برابر جرایم زیست‌محیطی نخواهد بود، بلکه باید با بهره‌مندی از همه ابزارها و شیوه‌ها حتی غیرکیفری و در همه حالات، یعنی پیش و یا پس از بروز تخریب، به حمایت از محیط‌زیست پرداخت. پس اگر حمایت همه‌جانبه و مطلوب باشد، به کارگیری این سیاست به مراتب بهتر از اعمال سیاست کیفری است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۶۵).

۳) ضمانت اجرای جرایم زیست‌محیطی

برای پاسخ دادن به آلودگی زیست‌محیطی، باید با همکاری و مشارکت جهانی بتوان به بحران کنونی در عرصه محیط‌زیست جهانی چیره شد. همان‌گونه که در اصل بیست و چهارم عهدنامه محیط‌زیست و انسان آمده است: «همه کشورها، کوچک و بزرگ باید به موضوع‌های جهانی حفاظت و بهبود محیط‌زیست، با روح همکاری و بر پایه مساوات رسیدگی کنند»، اما صرف آمادگی برای مشارکت کافی نیست و می‌بایست پاسخ مناسب به تخریب و آلودگی محیط‌زیست شکل عملی و کاربردی داده شود. مهمترین راه‌هایی که برای چنین حمایت گسترده‌ای هست، عبارت‌اند از: اقدامات مردمی، اقدامات بخش‌ها و مراکز صنعتی خصوصی و اقدامات دولتی (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۶۱).

۳-۱) اقدامات مردمی

یکی از بهترین و آسان‌ترین راه‌های حمایت از محیط‌زیست، آن است که مردم در این راه وارد شوند. انگیزش مردم برای رسیدن به این مقصود، بسیار مفید و سودمند است، زیرا وقتی مردم آگاه شوند که بقای آن‌ها به محیط‌زیست سالم بستگی دارد، آنگاه انگیزه‌ای قوی در آن‌ها ایجاد خواهد شد تا با همه امکانات و توان خویش، در این راه قدم بردارند (لواسانی، ۱۳۷۲: ۶۲). این موضوع، سود دولت‌ها را نیز در بردارد، زیرا بی‌گمان، اجرای برنامه‌های حمایتی، هزینه‌های مالی فراوانی می‌خواهد که ممکن است به دلیل دشواری‌های اقتصادی، آن‌ها را از این مسئله بازدارد. در اصل نوزدهم عهدنامه محیط‌زیست و انسان در این باره آمده است: «آموزش درباره موضوعات زیست‌محیطی برای نسل جوان و بزرگ با بادل توجه لازم نسبت به افراد مستضعف، برای وسیع‌تر کردن شالوده عقیده‌ای روشن بینانه و رفتاری مسئولانه از سوی انسان‌ها، مؤسسات و اجتماعات درباره محافظت و بهبود محیط‌زیست در بعد کامل انسانی آن ضروری است». عهدنامه‌های مهم دیگری مانند عهدنامه محیط‌زیست و توسعه (اصل دهم و...) و عهدنامه تغییرهای آب‌وهوا (ماده

ششم)، به اهمیت و ضرورت مشارکت مردمی و ارائه آموزش‌های زیست‌محیطی پرداخته‌اند. این توجه گسترده گویای آن است که نقش فراگیر این موضوع در مجامع جهانی پذیرفته شده است. در ایران نیز به ضرورت آموزش دادن مسائل زیست‌محیطی به مردم و روشن کردن ذهن آن‌ها، پرداخته شده است. برای نمونه، در ماده ۳۳ قانون روش جلوگیری از آلودگی هوا، سازمان صدا و سیما با همکاری سازمان حفاظت محیط‌زیست^۱ موظف به ارائه برنامه‌های آموزشی شده است. در این ماده آمده: «سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان حفاظت محیط‌زیست، برنامه‌های مناسب جهت تنویر افکار عمومی، آموزش و قوانین و مقررات و مسائل حفاظت محیط‌زیست را تنظیم و اجرایی کند». بنابراین، ایران تحت تأثیر مقررات جهانی به امر آموزش همگانی در زمینه محیط‌زیست پرداخته است. همچنین آموزش علمی محیط‌زیست را در مراکز علمی و دانشگاهی اجرا می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

۲-۳) اقدامات صنایع خصوصی

مراکز تولیدی و صنعتی خصوصی در بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای توسعه یافته، در راستای بهسازی محیط و کاهش آلودگی قدم‌های مؤثری برداشته‌اند. برای نمونه، یک شرکت سهامی نفت در آمریکا توانست مقدار مواد سمی را به میزان زیادی کاهش دهد. این شرکت به همه صاحبان خودروهای دودزا که زمانی تولید آن‌ها مربوط به پیش از سال ۱۹۷۱ بود، هفتصد دلار می‌پرداخت تا وسیله نقلیه خود را از رده خارج کنند (لواسانی، ۱۳۷۲: ۶۸). بدیهی است اگر این‌گونه اقدامات گسترش یابد، با توجه به اینکه شرایط زیست‌محیطی دارای ویژگی جهانی و فراتر از محدوده جغرافیایی یک کشور است، پاسخ مفید و مؤثری می‌تواند برای جرایم زیست‌محیطی باشد.

۳-۳) اقدامات دولت‌ها

در کنار اقدامات مؤثر مردمی و صنایع خصوصی که می‌توانند نقش چشمگیری برای حفاظت از محیط‌زیست جهانی (و ملی) داشته باشند، نباید از تأثیر گسترده دولت‌ها در دستیابی به این هدف غافل شد. دولت‌ها و مسئولان حکومتی می‌توانند از راه آموزش دادن مردم، تصویب قوانین

^۱ برطبق ردیف دال ماده ششم قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، یکی از وظایف این سازمان، تنظیم و اجرای برنامه آموزشی در زمینه حفظ و حمایت از محیط‌زیست است.

و مقررات و اجرای آنها، به رویارویی جدی با آلودگی محیط‌زیست بپردازند. نیز از راه همکاری با دیگر دولت‌ها، ارائه این پاسخ‌ها را در عرصه جهانی گسترش دهند و خود نیز مرتکب انهدام و ویرانی محیط‌زیست نشوند (همان: ۷۳-۷۱). در اصل سیزدهم عهدنامه محیط‌زیست و توسعه (ریو) آمده است: «کشورها باید قوانین ملی برای تعقیب عادلانه عاملان آلودگی تدوین کنند. همچنین، کشورها باید به سرعت و با قاطعیت جهت تنظیم یک سلسله قوانین جهانی با تضمین جبران خسارت‌ها و پیامدهای منفی آلودگی محیط‌زیست با یکدیگر همکاری کنند». نیز، در اصل چهاردهم این عهدنامه تاکید شده است که «کشورها باید به طور مؤثر با یکدیگر همکاری کنند و از هرگونه نقل و انتقال و جابجایی مواد آلوده کننده محیط‌زیست که سلامتی انسان را به خطر می‌اندازد، ممانعت کنند». این اصل، گویای جایگاه والای دولت‌ها در حمایت از محیط‌زیست داخلی و جهانی است. دولت ایران برای آنکه بر طبق مقررات جهانی همکاری خود را برای حمایت جهانی از محیط‌زیست اعلام کند، به عهدنامه‌های مهم جهانی پیوسته و به عضویت سازمان‌ها و مراکز در این سطح نیز درآمده است. پاره‌ای از این موارد عبارتند از:

- عضویت در دفتر جهانی تحقیقات پرندگان آبی در سال ۱۳۴۷؛
- عضویت در برنامه محیط‌زیست ملل متحد (یونپ) در سال ۱۳۵۱؛
- عضویت در اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی در سال ۱۳۵۲؛
- الحاق به عهدنامه مربوط به تالاب‌های مهم جهانی به‌ویژه از نظر زیستگاه پرندگان آبی (رامسر) در سال ۱۳۵۴؛
- الحاق به عهدنامه تجارت جهانی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در معرض نابودی (سایتیس) در سال ۱۳۵۵؛
- عضویت در شورای جهانی حفاظت از پرندگان در سال ۱۳۵۵؛
- الحاق به عهدنامه وین برای حفاظت از لایه ازن و صورت جلسه مونترال درباره کاهنده لایه ازن در سال ۱۳۶۸؛
- عضویت در برنامه همکاری محیط‌زیست جنوب آسیا (ساسپ) در سال ۱۳۷۰؛
- الحاق به عهدنامه بازل درباره بازرسی انتقال برون مرزی مواد زاید زیان‌بخش و دفع آنها در سال ۱۳۷۱ (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

۴) مراحل پاسخ به جرایم زیست‌محیطی

پاسخ به آلودگی‌های زیست‌محیطی، گسترده‌تر از واکنش در برابر آن است. به عبارت دیگر، پاسخ هم شامل مرحله پیش از وقوع جرایم بر ضد محیط‌زیست است و هم مرحله پس از آن را در بر می‌گیرد.

۴-۱) مرحله اول، پیشگیری

تلاش برای جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست به مراتب ارزشمندتر از آن است که برای برطرف کردن زیان‌های وارد شده انجام شود. محیط آلوده شده چه‌بسا هرگز به وضعیت گذشته خود، بازنگردد و آثار منفی آن همواره بر پیکره محیط‌زیست باقی بماند. پیشگیری از وقوع جرم زیست‌محیطی در مقررات گوناگون جهانی پرداخته شده است؛ مانند: عهدنامه ساختاری سازمان ملل متحد درباره تغییرهای اقلیمی، عهدنامه ملل متحد درباره محیط‌زیست و توسعه، صورت‌جلسه آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف‌ها و استخراج‌ها از فلات قاره، صورت جلسه درباره حمایت محیط‌زیست دریایی در برابر منابع آلودگی مستقر در خشکی، عهدنامه جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زاید و دیگر مواد، عهدنامه مربوط به تالاب‌های مهم جهانی به‌ویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی. برای نمونه، در اصل پانزدهم عهدنامه ریو آمده است: «برای حفظ محیط‌زیست، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را بر اساس توانایی خود و به طور مبسوط استفاده کنند».

این موضوع، یعنی پیشگیری از جرم آلودگی و تخریب محیط‌زیست، در مقررات اجرایی ایران نیز مطرح شده است. برای نمونه، می‌توان از ردیف هشت بند دهم قانون برنامه پنج ساله دوم به نام حفظ محیط‌زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور نام برد. یکی از راه‌های رسیدن به این هدف بر اساس ردیف یاد شده چنین است: «حفظ احیای منابع طبیعی تجدید شونده، حفظ گونه‌های گیاهی کمیاب، جلوگیری از بیابان‌زایی و کوشش در جهت کویزرداری، جلوگیری از فرسایش و آلودگی خاک، آلودگی هوا، آلودگی‌های آب‌های سطحی و زیرزمینی و محیط‌زیست دریایی، جلوگیری از تخریب و انهدام زیستگاه‌های حیات وحش کشور و...». همچنین، می‌توان موارد دیگری را نیز نام برد، مانند ردیف «دال» بند «الف» ماده ۴۵ (دفتر حقوقی امور مجلس، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط‌زیست ایران، ج ۱: ۱۹۲) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معیت، ماده هفت قانون نفت، ماده هشت آیین‌نامه اجرایی

بندهای «ب، ج، د»، از ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت.

برای ارائه پاسخ پیشگیرانه به آلودگی محیط‌زیست، از راه‌های مختلف می‌توان اقدام کرد، مانند استفاده از مشارکت عمومی که موضوع اصل دهم عهدنامه محیط‌زیست و توسعه است. بدون شک اگر بخواهیم در یک گستره فراگیر و مؤثر، زمینه‌های پیدایش آلودگی محیط‌زیست را چه در عرصه داخلی و چه جهانی از میان ببریم، باید از همه اعضای جامعه کمک بگیریم. این برنامه، همان اقدامی است که از آن به نام «سیاست جنایی مشارکتی» (همان: ۲۱۵) یاد شده و سازمان ملل متحد نیز برای برطرف کردن مشکلات جهانی مانند بحران زیست‌محیطی، به این روش متوسل شده است (فتح‌اللهی، ۱۳۷۷: ۱۸۷). همچنین بر طبق ماده هفدهم قانون شیوه جلوگیری از آلودگی هوا، ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌تواند در مواقع ضروری و شرایط ویژه، برای پیشگیری از بروز خطرات جدی و زیان بار زیست‌محیطی، مانع از فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های مؤثر در بروز آلودگی شود. متن این ماده چنین است: «در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌تواند کارخانجات و کارگاه‌هایی را که فعالیت آن‌ها خطرات فوری در برداشته باشد، با اخطار سریع، خواستار توقف فعالیت آن‌ها گردد و در صورت استنکاف، به حکم رئیس دادگاه محل تا رفع موجبات خطر تعطیل نماید». بنابراین، پیش از آنکه آلودگی محیط‌زیست و جرم یا جرایمی بر ضد محیط‌زیست پدید آید، برپایه این ماده می‌تواند اقدام پیشگیرانه را به اجرا گذاشت (منصور، ۱۳۸۴: ۱۶۶۶).

در مقررات جهانی مربوط به محیط‌زیست نیز به پاره‌ای از این موارد اشاره شده است. برای نمونه می‌توان از معاهده تجارت جهانی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی نام برد که در معرض نابودی هستند. در ماده شش این عهدنامه آمده است: «مقام اداری دولت، وارد کننده هر یک از انواع گونه‌ها، می‌تواند پروانه صادر یا گواهینامه صدور مجدد و هر پروانه ورود مشابه را ضبط یا باطل نماید» (فتح‌اللهی، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

۲-۴) مرحله دوم، مسئولیت کیفری

این مرحله از پاسخ فراتر از زمانی است که اقدامات پیشگیرانه صورت می‌گیرد، زیرا آن گاه که پاسخ‌های پیشگیرانه استفاده می‌شود، تخریب و زیان در محیط‌زیست (جرم) پدید نیاید، اما این بخش از پاسخ‌ها مربوط به وقتی است که آلودگی زیستمحیطی به عنوان جرم واقع شده و باید نسبت به دفع و جبران آن اقدام کرد و نیز کوشید تا شخصی که مرتکب جرم زیست‌محیطی شده

است، با تحمل این پاسخها، متوجه نادرستی عمل خود، شده و بکوشد در آینده دیگر اقدام به آلودگی محیطزیست و ارتکاب جرم بر ضد آن نکند. پاسخها در این مرحله می‌توانند، ویژگی‌های گوناگون کیفری، مدنی و اداری داشته باشند. استفاده از هر یک از این پاسخها، نشانگر شکل خاصی از حمایت زیست‌محیطی است و در کنار یکدیگر می‌توانند حمایت جامع و گسترده‌ای از محیطزیست را نیز ارائه دهند (همان: ۱۶۸ و ۱۶۹).

بدون شک، برای آن که بتوانیم از محیطزیست به خوبی حمایت کنیم، نباید تنها به ابزارهای کیفری پناه ببریم و با برخورداری از آنها به سودمندی ضمانت‌اجراهای دیگر (مدنی و اداری) توجه نکنیم و خود را از آنها بی‌نیاز بدانیم. اما از آنجا که بسیاری از موارد، کاربرد و تأثیر ضمانت‌اجراهای کیفری، بیش از مدنی و اداری است (شامبیاتی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۵۳) و در مواردی نیز دوام برخی از ارکان جامعه، مانند نظم، امنیت و آسایش بستگی زیادی به وجود و اعمال آنها دارد (صانعی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۲۴)، درباره محیطزیست نیز باید حمایت جدی شود؛ زیرا به خطر افتادن آن به معنای تهدید شدن حتمی حیات جانداران و نیز بقای طبیعت است. پس باید از این مجازات‌ها استفاده کرد. همچنین، ویژگی‌های کیفر (ترهیبی، تزدیلی، ارعابی و مانند آن) (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۷۱)، موجب خواهد شد که بسیاری از اشخاص به آسانی خود را برای ارتکاب جرم بر ضد محیطزیست آماده نکنند. بی‌گمان برای حمایت فراگیر از محیط باید ابزارهای کیفری (مناسب و مؤثر) را به خدمت گرفت. به عبارت دیگر، برای آنکه بتوانیم از محیطزیست در برابر جرایم (آلودگی‌های گوناگون و خطرناک) به خوبی حمایت کنیم و موفق به بازرسی و کاهش اقدامات آلاینده زیست‌محیطی شویم، باید حمایت جزایی را مدنظر قرار دهیم (همان).

تقسیم بندی جرایم زیست‌محیطی

الف) جرایم ارتكابی نسبت به عناصر جاندار محیطزیست: عناصر جاندار محیطزیست، منهای انسان شامل همه جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود. بر طبق ماده یکم قانون حفاظت و بهسازی محیطزیست، از وظایف سازمان حفاظت محیطزیست، پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و هر اقدام مخربی است که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیطزیست می‌گردد. کلیه امور مربوط به جانداران وحشی و آبزیان آب‌های داخلی و بر طبق بند دوم ششم همان قانون، تخریب جنگل‌ها و مراتع نیز از جمله مواردی است که باعث برهم خوردن تعادل در

محیطزیست شده و عملی مجرمانه است. جرم‌های مرتبط با تخریب جنگل‌ها و به طور کلی گیاهان با حفظ تعادل در محیطزیست و به‌ویژه سلامتی انسان ارتباط دارند. در قوانین متعدد، به مسئله تخریب جنگل‌ها و... پرداخته و با آن برخورد شده است؛ در اینجا به آن موارد می‌پردازیم. در فصل ششم قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مرتع‌ها اعمال ذیل جرم بوده و مرتکب به مجازات پیش‌بینی شده می‌رسد:

- بریدن و ریشه‌کن کردن و سوزانیدن نهال و درخت و تهیه چوب و هیزم و زغال از منابع ملی و توده‌های جنگلی بدون اخذ پروانه از وزارت منابع طبیعی (ماده ۴۲) (منصور، ۱۳۸۴: ۱۶۴۵)؛
 - بریدن و ریشه‌کن کردن بوته‌ها و خارها و درختچه‌های بیابانی و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی (ماده ۴۳) (همان: ۱۶۵۰)؛
 - چرانیدن دام و زراعت دیم در مناطق قرق شده (۴۳ مکرر)؛
 - چرانیدن بز در جنگل‌ها و مراتع و مناطقی که از طرف سازمان جنگلبانی تعیین و آگهی شده است (ماده ۴۴) (همان)؛
 - چرانیدن دام در منابع ملی مذکور در ماده یک قانون ملی شدن جنگل‌های کشور بدون اخذ پروانه (ماده ۴۴) (همان)؛
 - آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت ماموران جنگلبانی (ماده ۴۵) (همان)؛
 - کت زدن^۱ یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی (ماده ۴۷) (همان: ۱۶۵۱).
- در همین باره، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۷/۱۲، به حمایت از برخی گونه‌های خاص از درختان جنگلی پرداخته و برای تخریب آن‌ها مجازات پیش‌بینی کرده است (تبصره سوم ماده یکم). طبق ماده یکم، گونه‌های درختی مانند شمشاد، زربین، سرخدار، سروخمره‌ای، سفیدپلت، حرا و چندل، ارس، فندق، زیتون طبیعی، بند (پسته وحشی)، گون، ششم، گردو (جنگلی) و بادام وحشی (بادامک) در سراسر کشور جزو ذخایر جنگلی بوده و قطع آن‌ها ممنوع است. همچنین طبق ماده یکم قانون لایحه قانونی (دفتر حقوقی امور مجلس، مجموعه قوانین حفاظت محیطزیست، ج ۱: ۱۵۹)، حفظ و گسترش فضای سبز در

^۱- کت زدن، کندن حلقه‌ای از پوست درخت با تبر

شهرها مصوب ۵۹/۳/۳، قطع هر نوع درخت در گذرگاه‌ها، میدان‌ها، بزرگراه‌ها و پارک‌ها، باغ‌ها و محل‌هایی که به صورت پارک شناخته شوند، در محدوده قانونی و حریم شهرها، بدون اجازه شهرداری ممنوع و عمل یاد شده جرم بوده که مستوجب مجازات پیش‌بینی شده در ماده ششم قانون و تبصره ذیل آن است. همچنین به موجب بند پ ماده دهم (همان: ۲۴) قانون شکار و صید، مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶، از میان بردن رستنی‌ها در مناطق حفاظت شده و پناهگاه حیات‌وحش جرم است. به موجب بند «ه» (همان، ج ۱: ۲۵) ماده سیزدهم همان قانون، ایجاد یا سبب ایجاد حریق در پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات‌وحش بر اثر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی یا تخلف از نظامات دولتی جرم است.

به موجب لایحه قانونی جلوگیری از هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی و غصب و مزاحمت و ممانعت از حق، نسبت به املاک مزروعی، باغ‌ها و قلمستان‌ها، منابع آب، همچنین تأسیسات کشاورزی و دامداری و کشت و صنعت و جنگل‌ها و اراضی ملی شده واقع در داخل یا خارج محدوده شهرها و روستاها، مصوب ۱۳۵۸/۵/۲، هرگونه تجاوز بر موارد یادشده در لایحه قانونی، جرم تلقی می‌گردد و با متجاوز، برابر قانون برخورد می‌شود. در همین موضوع قانونی درباره متجاوزان به اموال عمومی و مردم، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۲، مقرر می‌دارد که هرگونه تجاوز و غصب و تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق نسبت به املاک اراضی موات و ساختمان‌ها و اراضی شهری و باغ‌ها، قلمستان‌ها و... متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی، از اعمال ضد انقلاب می‌باشد. به موجب آیین‌نامه تعزیرات حکومتی در شهرداری‌های کشور درباره شهروندان و کارکنان ۱۳۶۷/۳/۲۵، تبدیل فضای سبز به کاربری دیگری بدون مجوز جرم است و سرانجام باید به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرد که به موجب آن، آتش زدن عمدی جنگل یا خرما یا هر نوع محصول زراعی یا درختان یا باغ‌های متعلق به دیگری (ماده ۶۷۵) و یا تخریب تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان دیگری (ماده ۶۸۴) و یا از بین بردن یا قطع نخل خرما (ماده ۶۸۵) و یا درختان، موضوع ماده یکم قانون گسترش فضای سبز (ماده ۶۸۶) جرم بوده و مرتکب هر بار به مجازات پیش‌بینی شده می‌رسد. در کلیه موارد بالا، افزون بر جبران خسارت، مرتکب عمل از لحاظ کیفری طبق قانون مجازات می‌شود (تقی‌زاده‌انصاری، ۱۳۷۶: ۴۶ و ۴۷).

ب) جرایم ارتكابی نسبت به عناصر بی‌جان محیط‌زیست: در این قسمت به بررسی انواع آلودگی‌ها و تخریب عناصر بی‌جان طبیعت مانند آب، هوا، صدا، خاک می‌پردازیم.

آلودگی آب: بر طبق بند دوم ماده دهم آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۶۳/۹/۲۴، آلودگی آب عبارت است از تغییر مواد محلول و یا معلق و یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را برای مصرفی که برای آن مقرر است، مضر یا بی‌فایده سازد. بنابراین، جرم آلودگی آب در اثر ورود مواد یا عوامل فیزیکی و شیمیایی به آن به میزانی که باعث تغییر حالت طبیعی آن گردد، تحقق می‌یابد. منبع این آلودگی می‌تواند متفاوت باشد. این مواد یا عوامل، عنصر مادی جرم یاد شده‌اند (همان جا). اما عنصر قانونی جرم آلودگی آب، قوانین و مقررات متعدد است که در اینجا به پاره‌ای از مهمترین آن‌ها می‌پردازیم:

۱- قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار، مصوب ۱۳۲۰ می- باشد که در ماده یازدهم آن، آلوده کردن آب‌هایی که برای شرب به مصرف می‌رسند، ممنوع اعلام شده است؛

۲- قانون آب و شیوه ملی شدن آن، مصوب ۱۳۴۷ که ماده شصت آن درباره آلوده کردن عمدی آب رودخانه‌ها، نهرهای عمومی، جویبارها، مخزن‌ها، منبع‌ها، چاه‌ها و قنات با افزودن مواد خارجی است. در این ماده، آلوده کردن آب، ممنوع و جرم دانسته شده است؛

۳- قانون توزیع عادلانه آب، مصوب ۱۳۶۱ است که در ماده ۴۶ آن، آلوده کردن آب، ممنوع اعلام شده است؛

۴- قانون شکار و صید است که در بند دال ماده دوازده آن، آلوده کردن آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌های حفاظت شده، چشمه‌ها و آبشخورها با موادی که سبب آلودگی آب و از بین رفتن آبزیان شود، جرم تلقی گردیده است (منصور، جهانگیر، مجموعه قوانین و مقررات جزایی همراه با آرای وحدت رویه: ۱۶۲۹) همچنین، در ماده دوم قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴، از آلوده کردن رودخانه‌های مرزی و آب‌های داخلی و دریای سرزمینی در ماده یازدهم قانون اراضی مستحدثت ساجلی مصوب ۱۳۵۴، از تجاوز به حریم دریا (دفتر حقوقی امور مجلس، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط‌زیست، ج: ۱، ۱۸۹)، دریاچه و تالاب، در بند ز ماده ششم قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، مصوب ۱۳۷۲، از هرگونه آلودگی، محیط‌زیست دریایی بر خلاف مقررات جمهوری اسلامی ایران، و در ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از

منابع آیزی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۴، آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳، قوانین برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳، ۱۳۷۹، ۱۳۸۴ از آلودگی آب‌ها و منابع آیزی سخن گفته و این اعمال ممنوع و جرم خوانده شده است (جهانگیر، مجموعه قوانین و مقررات جزایی همراه با آرای وحدت رویه: ۱۳۴۲)

آلودگی هوا: تعداد قوانین و مقررات مربوط به جرم زیست‌محیطی آلودگی هوا مانند موضوع آلودگی آب نیست. جدا از ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی که شامل جرم آلوده کردن هوا نیز می‌شود، مهمترین قانون خاص در این باره، قانون روش جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ و اصلاحی ۱۳۸۳ است. در ابتدای ماده دوم این قانون، اقدام به هر عملی که سبب آلوده شدن هوا شود، ممنوع، یعنی جرم شناخته شده است. سپس در موارد دیگر این قانون از چگونگی تحقق این جرم با شیوه استفاده از وسایل نقلیه موتوری (مواد چهارم تا دوازدهم) (همان جا)، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها (مواد ۱۲ تا ۲۱) و منابع تجاری، خانگی و پراکنده (مواد ۲۲ تا ۲۷) سخن گفته شده است. در ماده چهارم قانون مزبور آمده است: «استفاده از وسایل نقلیه موتوری که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده کننده‌های دیگر وارد هوای آزاد نمایند، ممنوع است». در ماده چهاردهم نیز چنین عنوان شده است: «فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده دوازدهم را رعایت ننمایند و همچنین فعالیت و بهره برداری از کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که بیش از حد مجاز، موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند، ممنوع است» (همان: ۱۶۶۵). ماده ۲۲ نیز مقرر می‌دارد که «پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری، خانگی، متفرقه در هوای آزاد، ممنوع است». همچنین در ماده ۲۴ آمده است: «سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری و خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز، ممنوع است» (جهانگیر، مجموعه قوانین و مقررات جزایی همراه با آرای وحدت رویه: ۱۶۶۷). از جمله قوانین و مقررات دیگر، قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، قانون ممنوعیت ایجاد تأسیسات و کارگاه‌های مضر بهداشت و آسایش در شهرها و حومه مصوب ۱۳۲۸، قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۲ با اصلاحات بعدی، آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ششم قانون شیوه جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب ۱۳۷۶ و ۱۳۷۹/۶/۲۸، تبصره ۸۲ از قانون برنامه دوم توسعه، مواد متعددی از قانون برنامه سوم توسعه و ماده ۶۲ از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران، و مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۹/۲۱ هیئت وزیران درباره آلودگی هوا نام برد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۹۹) درباره جایگاه جرم زیست‌محیطی آلودگی آب‌هوا در حقوق بین‌الملل کیفری، تنها می‌توان به قسمت دال بند سوم ماده نوزدهم طرح معاهده مربوط به مسئولیت جهانی دولت‌ها که دارای ضمانت اجرای کیفری هم نیست، اشاره کرد، که از آن‌ها به عنوان مصداق‌هایی از نقض یک تعهد جهانی نام برده است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۹۸ و ۹۹).

آلودگی صوتی: درباره جرم آلودگی صوتی، قوانین زیادی در حقوق ایران نیست. در قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست که یکی از مصداق‌های رکن قانونی این جرم است، بدون آنکه تعریفی از آن ارائه شود، فقط از آن نام برده شده است. در ماده دهم این قانون مقررات جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان‌آور به محیط‌زیست را موقوف به تدوین آیین‌نامه‌ی مربوط و تصویب آن به وسیله مجلس کرده که تا کنون در این زمینه اقدامی صورت نگرفته است. در بند اصلاحی ماده ۵۵ قانون شهرداری مشاغل و کارهایی که ایجاد مزاحمت و سر و صدا کند، ممنوع اعلام شده است. همچنین در ماده واحده قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران مختلف، مصوب ۱۳۵۶، تولید صداهای ناهنجار از لوله آگزوز موتورسیکلت گازی ممنوع (جرم) اعلام گردیده است. جدا از مقررات یادشده و نیز ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی که به گونه‌ای از این جرم سخن گفته‌اند، تنها رکن قانونی که آلودگی صوتی را به شکل مستقل مطرح کرده است و آن را جرم و مستوجب مجازات دانسته است، قانون شیوه جلوگیری از آلودگی هوا و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن است. در ماده ۲۷ این قانون چنین آمده است: «ایجاد هرگونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع باشد». ماده ۳۲ اصلاحی این قانون مجازات این جرم مشخص و تشدید شده است (مواد دوم و هفتم و تبصره ماده سیزدهم آیین‌نامه‌ی اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی) حقوق جهانی کیفری در این باره ساکت بوده، از جرم زیست‌محیطی آلودگی صوتی در عرصه جهانی سخنی به میان نیاورده است.

آلودگی خاک: آلودگی و تخریب خاک، پخش یا آمیختن مواد خارجی به آن است، به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا زیست‌شناسی آن را تغییر دهد، به طوری که برای انسان یا جانداران و گیاهان زیان‌آور باشد (تقی‌زاده‌انصاری، ۱۳۷۶: ۵۵ و ۵۶). درباره رکن قانونی جرم زیست‌محیطی آلودگی خاک، نخست باید از ماده نهم قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و تبصره آن سخن گفت. در این ماده، ابتدا هرگونه آلودگی محیط‌زیست ممنوع (جرم) دانسته شده،

سپس آلودگی محیط‌زیست تعریف گریده و در آن از آلودگی خاک نیز یاد گشته است، به ایترتیب می‌توانیم ماده نهم را نخستین مصداق عنصر قانونی این جرم تلقی کنیم. در قانون اراضی مستحدث ساحلی، مصوب ۱۳۵۴، نیز از آلودگی خاک سخن گفته شده است. در ماده یازدهم این قانون آمده است: «هرکس به قصد تصرف به اراضی متحدث و ساحلی متعلق به دولت و حریم دریا و دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور تجاوز کند و یا اراضی مزبور را با برداشت شن و ماسه و خاک و سنگ تخریب نماید، به حبس جنجبه‌ای تا سه سال و قطع ید محکوم خواهد شد». در حال حاضر، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، یکی از مهمترین موارد رکن قانونی این جرم زیست‌محیطی به شمار می‌رود. در تبصره دوم این ماده همانند ماده نهم قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، ضمن تعریف آلودگی محیط‌زیست، از آلودگی خاک نیز به عنوان یکی از مصداق‌های این آلودگی و جرم عام زیست‌محیطی نام برده است. همچنین ماده ۶۹۰ قانون یاد شده و قانون مدیریت پس ماند‌ها، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مرتع‌ها، مصوب ۱۳۴۶، با اصلاحات بعدی و قوانین برنامه‌های توسعه کشور را نیز می‌توان در این باره مورد توجه و بررسی قرار داد. حقوق بین‌الملل کیفری عاری از مقرراتی است که این آلاینده‌گی را جرم بداند و برای رفتارهای آلوده کننده این بخش از محیط‌زیست و بوم شناختی زیست کره (مانند بخش‌های دیگران) ضمانت اجرایی کیفری را در نظر گرفته باشد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

آلودگی شیمیایی و هسته‌ای: این قسم از جرایم زیست‌محیطی از عنصر قانونی مختلف و متعدد برخوردار نیست. در تعریفی که ماده نهم قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی از آلودگی محیط‌زیست ارائه کرده، آشکارا از آلودگی شیمیایی و هسته‌ای سخنی به میان نیامده است. هر چند مطرح نشدن جرم زیست‌محیطی آلودگی شیمیایی و هسته‌ای در این مواد آن را از قلمرو این جرایم خارج نخواهد کرد، با این حال بهتر بود که قانون‌گذار به‌ویژه در ماده ۶۸۸ و تبصره دوم آن، از این آلودگی‌ها و دیگر مصداق‌های مهم آلودگی محیط‌زیست نام برد تا ثابت کردن این نکته که قانونگذار به این موارد، مرتبه و اهمیت آن‌ها نیز توجه داشته است، نیازمند استدلال نباشد. بر مبنای ماده ششم قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ که هرگونه آلودگی محیط‌زیست دریایی ایران مشمول مقررات کیفری و مدنی دانسته شده است، به موجب ماده نهم آن قانون عبور شناورهای جنگی، زیردریایی‌ها، شناورهای با سوخت هسته‌ای، شناورها و زیردریایی‌های حامل مواد اتمی یا

خطرناک و یا زیان‌آور برای محیط‌زیست و مانند آن منوط به موافقت قبلی مقامات صلاحیت‌دار کشور گردیده است. در این قانون به آلودگی هسته‌ای و اتمی آب‌ها و مناطق دریایی به خوبی پرداخته شده است. در ماده ۱۰ آیین‌نامه بهداشت محیط، مصوب ۱۳۷۱ نیز آلودگی محیط‌زیست به وسیله سموم و مواد شیمیایی مورد توجه بوده، بر جلوگیری از پیدایش این‌گونه آلودگی‌ها تاکید شده است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۰۲؛ منصور، ۱۳۸۴: ۴۰۴).

نتیجه‌گیری

به طور قطع، یکی از اموری که زمینه‌ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش بپردازد. اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیطی امن و سالم امکان‌پذیر نیست. بدین سبب، شرط اولیه داشتن روح سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط‌زیست سالم بهره‌مند باشد. از آن‌جا که انسان به عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت، با مجموعه بزرگی از پدیده‌های دیگر، از جمله محیط‌زیست در ارتباط است، بدیهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آن‌ها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای فقهی و حقوقی اساسی ارائه داده است؛ به طوری که می‌توان گفت در اسلام، جامع‌ترین دیدگاه و درست‌ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط‌زیست بیان شده است. با نگاهی به منابع فقهی، از جمله قرآن کریم، می‌توان دریافت که محیط‌زیست و تلاش برای حفظ و حمایت از آن، برای بهره‌مندی بشر از محیط‌زیستی امن و سالم جهت نیل به امنیت زیست‌محیطی ملی، مورد نظر اسلام است. بشر همواره از معنویت و فرهنگ دینی تأثیرپذیر بوده و زندگی خود را بر اساس آن استوار نموده و کوشش کرده است تا جایی که برای او امکان دارد اصول زندگی را بر اساس آن قرار داده و ملاک‌های خود را از این طریق به دست آورد. نگرش بشر به محیط‌زیست به عنوان یکی از مسائل حیاتی، تا میزان زیادی نتیجه تأثیرپذیری انسان از فرهنگ‌های آسمانی است؛ چرا که خداوند بارها در قرآن کریم درباره ایجاد فساد در روی زمین هشدار داده است. از این‌روست که حکومت اسلامی، کردار انسان را در مواجهه با محیط‌زیست، نظارت و کنترل کرده و مسئولیت کیفری و مدنی افرادی را که به محیط‌زیست آسیب می‌رسانند در سایه امنیت ملی در نظر گرفته است و به آن‌هایی که از نتیجه سوء کردارشان بر محیط‌زیست بی‌خبرند هشدار می‌دهد.

خوشبختانه کشور ما با تلاقی فرهنگ اصیل ایرانی و تعالیم عالی اسلامی از پتانسیل بالایی در زمینه امنیت و حرمت محیطزیست برخوردار است.

کتابنامه

- تقی‌زاد انصاری، مصطفی (۱۳۷۴). حقوق محیط‌زیست در ایران، تهران: سمت.
- تقی‌زاده‌انصاری، مصطفی (۱۳۷۶). حقوق کیفری محیط‌زیست، تهران: قومس.
- تقی‌زاده‌انصاری، مصطفی (۱۳۸۰). حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران: قومس.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: پازنگ.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۳). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش.
- فتح‌اللهی، سیدسیامک (۱۳۷۷). «سیاست جنایی مشارکتی از دیدگاه سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۴.
- قاسمی، ناصر (۱۳۸۴). حقوق کیفری محیط‌زیست، تهران: جمال‌الحق.
- قوام، میرعظیم (۱۳۷۵). حمایت کیفری از محیط‌زیست، تهران: سازمان حفاظت محیط.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). قواعد عمومی قراردادها، تهران: دانشگاه تهران.
- لوسانی، احمد (۱۳۷۲). کنفرانس بین‌المللی محیط‌زیست در ریو، تهران: امور خارجی.
- محقق‌داماد، مصطفی (بی تا). اصول فقه، دفتر دوم، مبحث اجماع.
- محقق‌داماد، مصطفی (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۴). قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، تهران: آگاه.
- نواده‌توپچی، حسین (۱۳۷۸). حقوق بین‌الملل فضا، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
- نوری، جعفر (۱۳۷۲). فرهنگ جامع محیط‌زیست، بیجا: مؤلف.
- نیلفروشان، محمدعلی و دیگران (۱۳۶۳). بهداشت برای حوزه‌های علمیه، تهران: معاونت امور بهداشتی وزارت بهداشت.
- وات، کنت (۱۳۷۴). مبانی محیط‌زیست، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد: جهاد دانشگاهی.